

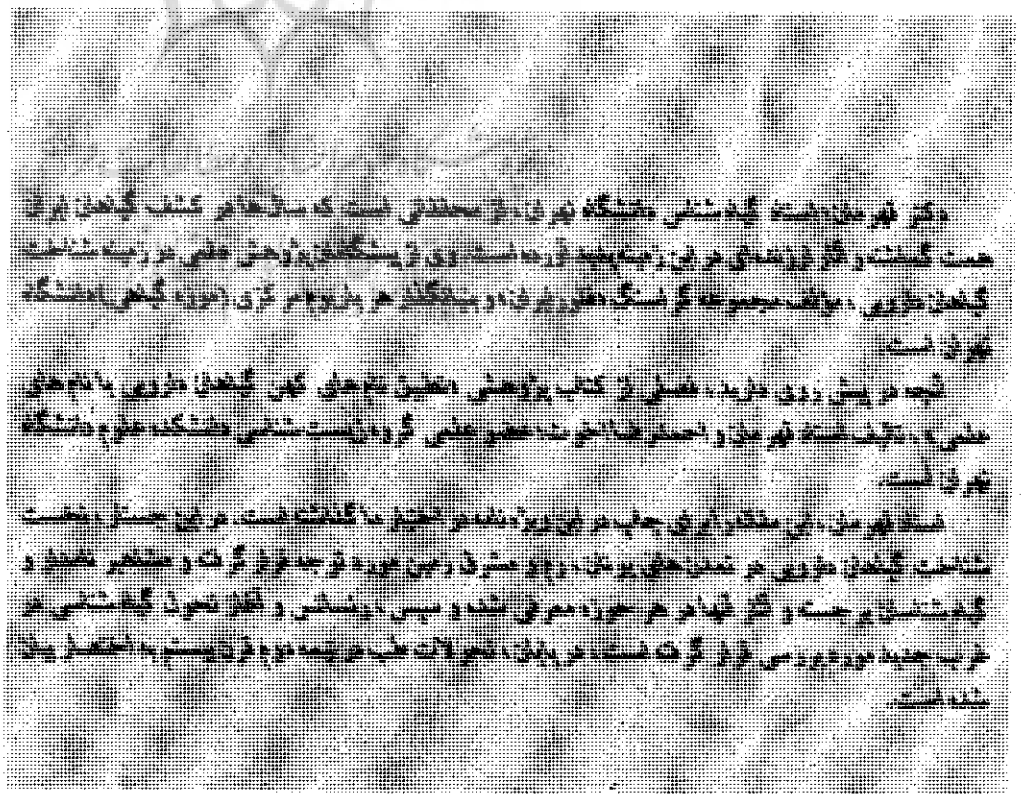
# تاریخ شناخت گیاهان دارویی

دکتر احمد قهرمان

اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم، تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر می گردد.

ارسطو (۳۳۰ ق.م) اولین کسی است که آثار و مطالبی مکتوب مربوط به شناخت گیاهان دارد. البته قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در «پاپیروس»ها (papyrus) و «ابرز» (Ebers) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آنها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است، که از رشد و نمو گیاهان، ماده سازی و از تفاوت آنها و چگونگی استفاده آنها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشته او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او، مورد قبول همه بود و حتی تدریس می شد.

«تئوفراست» یا «تئوفراستوس» شاگرد ارسطو که در سال های ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طیب بود [و بعدها به او پدر گیاه شناسی گفته اند]، علاوه بر آن که، پیرو فلسفه استاد خود ارسطو بود، تحت تاثیر نظریات «پلاتو» (plato)<sup>(۱)</sup> استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه (Habit) گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوه رشد آن و همچنین وضع گلبرگ های گل ها در کتابی با نام «هیستوریا پلاتاروم» (Historia Plantarum) بر مبنایی مبهم و ناشی از استنباطات خود، دارد. او بر این مینا و تفکر ۴۸۰ گیاه را در کتاب مزبور رده بندی کرد که اساس آن کاملاً دور از حقیقت و



□ آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی بخصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی یافت، مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید.



□ هزاره اول میلاد مسیح، دوران طلوعه دانش گیاه‌شناختی در شرق است، که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود.

پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب، غالباً ترجمه‌ای از دیسکورید یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

#### پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح، دوران طلوعه دانش گیاه‌شناختی در شرق است، که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود. اما در عین حال، بخشی از آن، متأثر از شیوه‌های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمده آن خاص شرق است. متأسفانه، همه آگاهی‌ها و آشنایی‌ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستی‌ها در مورد این گیاهان در شرق، به علت عدم نشر آنها [نسخه برداری‌های مکرر یا چاپ] در داخل قوم‌ها و قبایل دور از هم سرزمین‌های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت وقتی در پژوهش‌های خود از این تجربیات گران‌قیمت قومی اطلاع یافت، که جنگ‌هایی بین تمدن‌های ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدن‌های آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدن‌ها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی یا چینی و غیره

(Pedanios Dioscorides) طبیب و جراح، بویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سال‌های ۴۵-۷۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از تئوفراست، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود، همراه با ارتش مهاجم روم مسافرت‌های بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز، اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعه اطلاعات و دانسته‌های خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (Materia Medica) که شامل شرح و خواص حدود ۶۰۰ گیاه دارویی است، بنویسد. بعدها، او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معرفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] به تدریج کم‌رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروفترین نسخه این کتاب پس از سال‌های طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیان» (Juliana) دختر امپراتور وقت روم «فلایوس اولی بریوس آئیوس» (Flavius Olybrius Anieius) تهیه شد. نسخه‌های کلیشه‌ای این کتاب، امروزه در کتابخانه‌های دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت: با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هرگونه واقعیت علمی و پراز مطالب غیر واقعی است ولی تا یک قرن

واقعیت است. متأسفانه این نظر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا قرن ۱۸ ماخذ و مبنای نگارش کتاب‌ها و آثار بسیار دیگر بود. تئوفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد. [متأسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است].

بعد از تئوفراست، باید از بقراط یا «هیپوکرات» (Hippokrates) بزرگترین پزشک جهان باستان و هم‌عصر تئوفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد که ادامه مکتب او، بعدها منجر به مکتب طب جالینوسی شد. از این دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد، مطالب و آثاری از نحوه درمان با گیاهان دارویی یا توسط مواد گیاهی، باقی مانده است.

بعد از این دانشمندان عهد عتیق می‌باید در سال‌های ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از «کارینوس پلینوس سکوندوس» (Gaius plinus secundus) یاد کنیم. او مجموعه آثاری در ۳۷ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانش‌ها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط به گیاهان دارویی است، که متأسفانه همه مطالب آن‌ها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرن‌های بعد، یعنی تا پایان قرون وسطا، آثار او سایه‌ای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار علمی گیاه‌شناختی انداخته و سبب رکود این علم شده بود. در همین عصر می‌باید از «دیوسکورید» (پدانیوس دیوسکوریدس)

است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویش‌های آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمین‌های دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر کتابخانه‌ها دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتاب‌های جمع‌آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد. بدین ترتیب، سوابق

گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتش سوزی‌ها، فاقد هرگونه مدارک دیرینه شناخت گیاهان دارویی و خواص آنها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقه اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانه‌های آن به وسیله هلاکو خان مغول، بقیه آثار مکتوب گیاهان دارویی، که توسط ابن فرقه جمع‌آوری شده بود، از میان رفت. (۲)

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی بخصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و

دیگران دسترسی یافت، مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجری مطابق با ۸۴۷ میلادی، به وسیله «المأمون» خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شده بود و به وسیله جانشینانش بخصوص «المتوکل»، مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی، معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمه این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهمترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی

نام «المتوکل» خلیفه عباسی مدون کرد. او در این کتاب، ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی‌شناختند، با نام‌های فارسی و عربی ذکر می‌کند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند، می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصه گیاه‌شناختی دارویی، می‌باید از یوحنا بن ماسویه، پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور [به وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود] در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد.

کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم‌عصر او مانند عیسی بن ماسه در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین ابوزید ارجانی و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس، که پزشکان و دانشمندان بعد از آنها در آثار خود اشاراتی بر کارهای ارزنده آنها را دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با

اهمیت خاصی نام می‌برند از جمله این دانشمندان، ابن بیطار است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه و التغذية» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان و مشتقات آنها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده‌اند و در آثار یونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود، نام می‌برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران، محمد بن زکریای رازی است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال‌های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۸۶۴ تا ۹۲۵ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است، بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه اندیشمندان شرقی باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایره‌المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحوای فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیة و دفع مضارها» را نوشت. این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود، صورت گرفت. در کتاب «الحشایش» شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند، مذکور است و اسامی آنها به زبان‌های دیگر نیز آمده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب، ذکر اختصاصات «ریخت‌شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آنها نیز ذکر شده است.

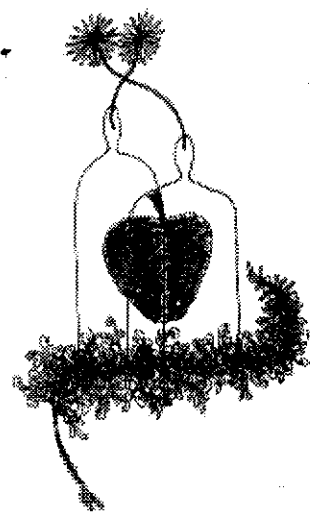
«علی ابن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به

کتاب‌ها و بقیه آثار او، مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه‌شناختی برای نسل‌های متمادی در شرق و غرب بوده است، آثار این دانشمند به زبان‌های دیگر، بویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه‌های دانشگاه‌های غرب و حتی کتابخانه‌های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است. محمد بن زکریای رازی حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می‌کند.

علی بن عباس مجوسی ارجانی از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است، که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطیبیه» خود را شاگرد ابو ماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی معرفی می‌کند. جالب‌ترین بحث این کتاب آن است که ارجانی در آن، از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آنها انتقاد کرده و به نظر او، بسیاری از نظریات فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آنها در کشورهای شرقی نامبرده‌اند قابل تشخیص و شناسایی نیست. او شیوه‌های مداوا را که خود، به کار می‌برده است، در این کتاب شرح

داده و از داروهایی نام می‌برد که قبلاً مکرر به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار رفته است. ارجانی در این کتاب، بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می‌شناسد. او می‌گوید پزشکان فارسی و عراقی، آنها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب و آثار مجوسی، حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آنها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی، نوعی رده‌بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد. او در واقع، اولین بنیانگذار رده‌بندی نوع «کیمپو تاکسونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان آنها را به ۱۳ گروه یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

- ۱- سبزیجات (بقول) نظیر: بادرنجبوه، (*Melissa officinalis*)، ریحان یا «بارزوح» (*Ocimum Sp*)، اسفناج (*Spinach*)
- ۲- علفی‌ها یا «حشایش» مانند: «برنجاسف» یا



محمد بن زکریای رازی دانشمند بزرگ ایرانی نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است، بلکه نخستین دانشمندی است که تمامه کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان در دانشمندان غربی و چندین دانشمندان شرقی باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در این زمینه شناسایی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی به نام «المختصر فی الطب» دیگر به نام «منافع الاغنیة» دفع مضارها را نوشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- درمنه (*Artimisia Vulgaris*)، شاهتره (*Fumaria Sp.*)، بادآورد (*Volutarella divaricata*)، پرسپاوشان (*Adiantum Capillus veneris*) و غیره.
- ۳- گیاهانی که بذرشان مصرف می‌شود، مانند: پنج انگشتی (*Vitex angus- castus*)، سیاهدانه (*Nigella*)
- ۴- گیاهانی که دانه‌های مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (*Vicia*) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (*Physalis alkekengi*)
- ۵- سبزی‌های که میوه‌هایشان مصرف می‌شود (سماز)، مانند بادمجان (*Solanum melongena*) بطیخ هندی یا هندوانه (*Citrus vulgaris*) و

غیره.

۶- درختان بلند و درختچه‌ها، شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوه‌های خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، انجیر و غیره.

۷- درختان وحشی که میوه آنها قابل استفاده نیست، چون، «گازمارچ» یا گز (*Tamarix*)، سپستان<sup>(۳)</sup>، شاه بلوط<sup>(۴)</sup> و غیره.

۸- گیاهی که گل‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند نسترن (*Rosa sp*)، نیلوفر آبی و (*Nymphaea*) و بید مشک (*Salix aegyptica*) و غیره.

۹- گیاهانی که برگ‌های مورد مصرف دارند، مانند: آزاد درخت<sup>(۵)</sup> سرو و زربین درخت.

۱۰- گیاهانی که پوست و ریشه قابل استفاده دارند، مانند «بهن» (*Centaurea behen*) نوعی گل گندم، دیوآدار، سوزنجان (*Colchicum*) و غیره.

۱۱- گیاهانی که بن (ریشه)، غده، پیاز و ریزوم قابل استفاده دارند، مانند: بصل یا پیاز، سلجم یا شغلم و غیره.

۱۲- گیاهانی روغن که از آنها روغن می‌گیرند (دهن)، مانند

یاس زنبقی (*Jasminum sambac*)، بالسان<sup>(۶)</sup> یا بالم و غیره.

۱۳- گیاهانی که انواع صمغ‌ها را از آنها می‌گیرند، مانند «افیون» (*Opium*)، انزلروت (*Sarcocolla*) کهربا (غنبرزد) و نیل و غیره.

«کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ هـ. ق) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن، واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب، او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که

از الیاف آنها برای تهیه ریسمان، نساجی یا موارد دیگر در صنعت استفاده می کنند، نام می برد. فهرست الفبایی این کتاب، شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که موضوع که ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه های گیاهی است. بقیه باب های این کتاب به مترادف ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهار نظرها و یادداشت های کوتاه مربوط می شود.

م. حمید الله - در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب «النبات» مجموع باب های آن

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادف ها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمین های عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیربومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نام هایی معادل برای نام های عربی است

ابومنصور موفق هروی (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می آید. او ۴۵۰ گیاه و

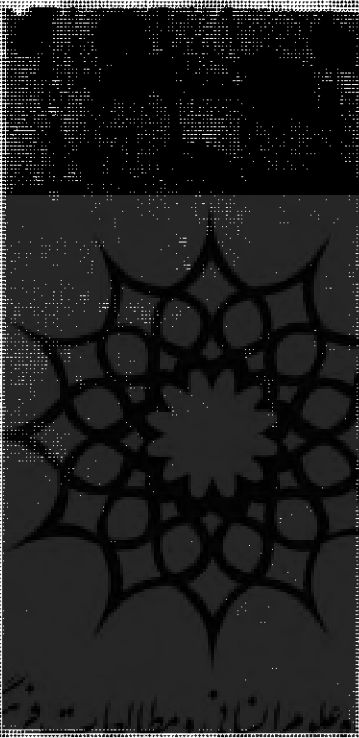
مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تالیف این کتاب معتقد است، تمام کتاب های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت، کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام های هندی است که او، آنها را به نام های فارسی، یا معرب نام می برد. مانند: اسامی فوفل، هل بویا، کبابه، قولنجان و زردچوبه و غیره. ابن سینا، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی ۳۷ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی که در غرب او را به نام «آویسنیا» می شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگترین دانشمند جهان به اشتباه، عرب دانسته اند. (چون کتاب های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آنها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت شناختی

به عنوان اثری بی نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنایی با «ماتریا مدیکا» دیوسکوریدو دانشمندان هم عصر خود و با گلچین کردن و اخذ چکیده ای از آنها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدنه» را تدوین و تالیف کرد. مواد پزشکی معرفی شده در «صیدنه» علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او، حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است، که بیرونی خود بر آن افزوده است. در «صیدنه» به جز برخی مترادف ها (سینونیم) و ارجاع ها (رفرنس) حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات

درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد «صیدنه» فراوانی بی سابقه نام ها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در «صیدنه» نه تنها نام های معادل زبان های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نام های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام های هندی و سفدی را نیز جمع آوری کرده است. منظور بیرونی از ذکر نام های محلی

همراه با نام های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود، که پیوسته از ترجمه نام های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی، یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبان های دیگر پیش می آمد و مرتباً نیز در ترجمه ها تکرار می شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آنها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمند در ثبت نام های محلی گیاهان دارویی در «صیدنه» آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب «صیدنه» از کتاب های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده، بهره گرفته است.

ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری از دانشمندان به نام در شناخت گیاهان



رتال جامع علوم انسانی

هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آنها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آنها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آنها می پردازد.

ابوریحان بیرونی (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا، مؤلف کتاب معروف «صیدنه فی الطب» است. کتاب «صیدنه» در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب ها و نوشته های دانشمندان و فرهنگ های دوره اسلامی



دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب «الجامع» به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آنها را نقد کرده است. ابن بیطار در اصل، مدرس علم شناخت گیاهان دارویی بویژه تدریس کتاب «ماتریا مدیکا» دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می کرد و به زبان های عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نام های یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می برد ولی خود آن را

ندیده و نمی شناخته، این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می کند.

قاسم ابونصر هروی  
مؤلف «کتاب ارشاد  
الزراعه» (سال ۹۲۱  
هجری مطابق ۱۵۱۵  
میلادی)، تقریباً اولین  
ایرانی است که علاوه بر  
ذکر گیاهان دارویی در  
این کتاب، به گیاهان  
کشاورزی و زراعی و  
درختان میوه نیز در  
کتاب خود توجه کرده  
است. در کتاب «ارشاد  
الزراعه» ۷۹ گیاه از  
غلات، سبزی ها،  
میوه ها، درخت ها،

درختان زینتی، گل ها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب «ارشاد الزراعه» نسبت به زمان خود دیده می شود، پایبندی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است، که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (واریته ها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می شناخت، می پردازد. هروی در نگارش شرح ها، دقت خاصی که معرف دید علمی او است میندول می دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به یکصد واریته (کلتیوار) برای خربزه ۵۸، برای زردآلو ۳۳، برای گندم و سیب ۱۹، برای کدو ۱۴، برای هندوانه ۶ جوز یا واریته ذکر می کند. بدیهی است واریته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می دهد، همان ارزش واحدهای تاکسونومی امروز را، ندارد.

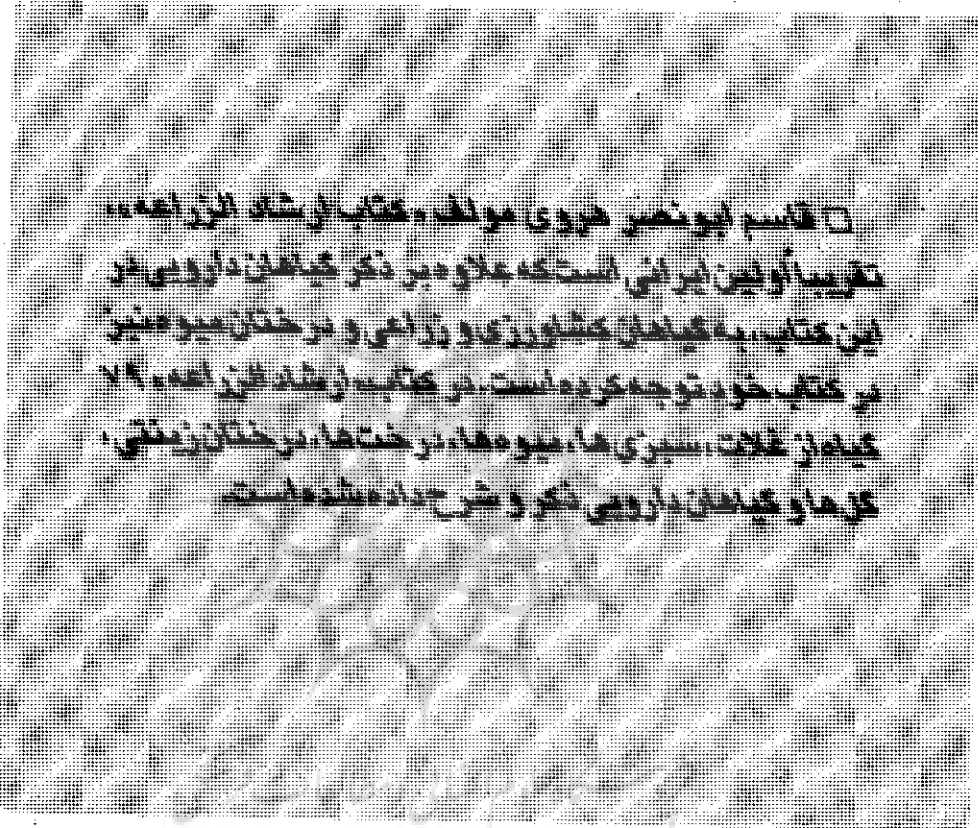
محمد مؤمن تنکابنی، حکیم و پزشک شاه

شرح گیاهان در این کتاب، گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. بویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک با گیاهی دیگر داشته، یا چند رقم (واریته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، آن را می کاشت. او در شرح ریختار (مورفولوژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز مائل» (معادل عربی گیاه تاتوره)<sup>(۷)</sup> چنین می نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بوته بادمجان ولی برگ های آن کمی از بادمجان کوچک تر است.

گل های آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ تر است. میوه «جوز مائل» به بزرگی گردو و مانند میوه های کوچک خاردار است. دانه های درون میوه مشابه دانه سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه و باطعم خوشمزه است. او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه، به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می پردازد و سپس به نام های مترادف آن مانند جوز قائم، جوزماتا و دهاتورا (که نام هندی آن است) اشاره می کند.

محمد حسین عقیلی  
خراسانی (۱۱۸۳ هجری  
مطابق با ۷۰-۱۷۶۹ میلادی)،  
مؤلف آثاری ارزنده چون  
«مخزن الدویه» و «ذخایر

الترکیب» است که مجموعاً به نام «قرآبادین کبیر» شناخته می شود. این دو کتاب عقیلی، مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولوژی ایران تا آن زمان است. کتاب «مخزن الدویه» عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستماتیک) از کتاب «تحفة المؤمنین» تنکابنی است، که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر را که ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است. به طور مثال «الادویه القلییه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر «تحفة المؤمنین» و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جمله اند. از ویژگی های کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نام های لاتینی و واژه های غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نام ها و واژه های لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می گیرد. به کارگیری



سلیمان صفوی (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی) یکی از دانشمندان و شخصیت های برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفة المؤمنین» مواد پزشکی یونانی-اسلامی را، که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همه آنها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود، تلفیق کرد و بر آنها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آنها تخصیص دارد. از ویژگی های دیگر کتاب «تحفة المؤمنین» وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام های مترادف و مشابه گیاهی از زبان های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه ها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است.

نام‌های انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی، توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولوژی و گیاه‌شناسی فعالیت داشته‌اند می‌رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش، در آن زمان است.

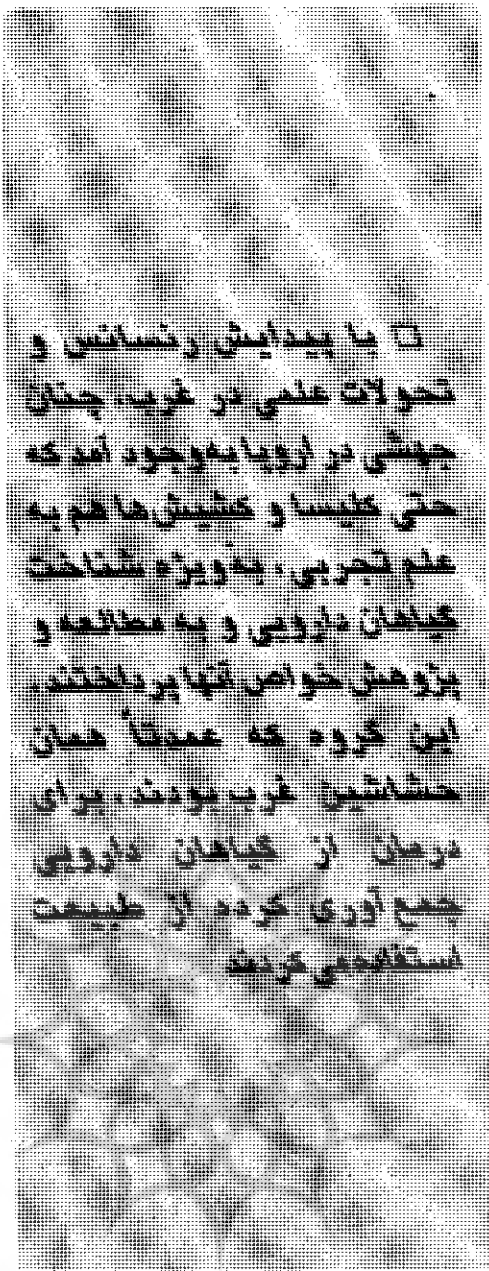
رنسانس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان، که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشه باز اسلامی در مقابل فضای بسته تفکر قرون وسطا غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکبار به با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیش‌ها هم به علم تجربی، به ویژه شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش‌های خاص آنها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند، برای درمان از گیاهان دارویی جمع‌آوری کرده از طبیعت استفاده می‌کردند و در بین همین هربالیست‌ها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربه شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهی‌ها و دانسته‌ها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهی‌ها فزونی می‌یافت.

در سطور زیر، روند توسعه دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش، شیوه‌های آنان در بهره‌گیری از گیاهان دارویی، بویژه نحوه معرفی علمی این گیاهان توسط آنها را یادآور می‌شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (Albertus Magnus)، این کشیش که در نوشته‌ها به آلبرت بوستادت بیشتر معروف است. در سال‌های ۱۲۸۰-۱۱۹۳ [بعد از این سینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، درباره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه‌شناسی کتابی به نام «رستی‌ها» [دو وژتابلیس (De vegetabilis)] را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب، به خوبی نشان می‌دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تئوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال، برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

اتوبرونفلس (-Otto Brunfels ۱۴۶۴- ۱۵۳۴ م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومرتبه به کلیسای رومی آورد و در آخر، طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع‌آوری کرد و به شناخت آنها پرداخت و با شرح و تصاویر، آنها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هرگونه دیدگاه علمی است



ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طبخ، صنعتی و در واقع بیان ساده جنبه‌های کاربردی و برخی خواص غیرعادی، یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طبیبان علفی (Herbalist) و درمان‌کنندگان با گیاهان طبیعی می‌شناسند. از کارهای برجسته او، نگهداری نمونه‌های خشک کرده گیاهان جمع‌آوری شده بود و در واقع نخستین پایه‌گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعه‌ای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تئوفراست، پلینی و دیوسکورید را دربرداشت. او در مورد این کار، کتابی به نام هرباریوم ویوا ایکنس (Herbarium viva eicones) را به چاپ رساند، که از برجسته‌ترین آثار منتشر شده قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته بندی گیاهان بی گل و گلدار است.

والریوس کوردوس (Valerius Cordus) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیست‌ها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴-۱۵۱۵ میلادی)،

کتاب «هیستوریا پلانتاروم» او، علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیکی گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

لئونارد فوکس (Leonard Fucsia) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیست‌ها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام دو هیستوریا استیپریوم (De historia stiprium) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان، تصاویر آنها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می‌شود. این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار دوره رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از ویلیام تورنر (William Turner) انگلیسی (۱۵۶۸ -

۱۵۱۰ میلادی) و از رابرت دو دوئنس آلمانی (Rambert Dodoens) (۱۵۱۷-۱۵۸۵ میلادی)

و از شارل دولکلوس (Charles de l'Ecluse) و «جان جرارد» (John Gerard) انگلیسی در سال‌های

(۱۵۴۲-۱۶۱۲ میلادی) نام برد، که کار و آثار هریک از آنها موجب شکوفایی علم گیاه‌شناختی در

دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد، معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آنها، جنبه علمی تازه‌ای پیدا کرد و به دانش وسیع‌تری یعنی علم گیاه‌شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان

جمع‌آوری شده افزوده می‌شد تفکیک و تمایز آن‌ها از هم دشوارتر شده و ضرورت طبقه‌بندی به طریق

ویژه و با روش‌های علمی تازه یا نام علم رده‌بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از

این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او نیز، که گیاه‌شناسان طبیب، یا داروساز بودند، انگیزه اصلی

آنها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از آنجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع

گیاهان جمع‌آوری شده نیز به چند هزار می‌رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا

از دارویی بودن یا نبودن آنها] برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در امر رده‌بندی گیاهان مقوله‌ای جدی و

الزامی شد و از آن پس، گیاه‌شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند پا را فراتر نهاده،

پژوهش در نحوه طبقه‌بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده‌بندی

گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده‌بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هرچه بهتر گیاهان توجه

به کلیه خصوصیات رستی‌های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر،

به تدریج به مرزهای جدید و تازه‌ای در علم گیاه‌شناسی رسیدند که هر یک از آن‌ها سرآغاز

رشته‌ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه به علوم گیاهی تبدیل شد.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر

درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آنها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید. از این پس، با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دوز» مصرف بویژه تأثیر سریع آنها، در درمان، همه سبب شد تا استفاده مستقیم از گیاهان دارویی، روش های طب قدیم (سنتی) چربه تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

### تحولات طب در نیمه دوم قرن بیستم

هرچند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پاره ای از بیماری ها از زمان پاستور آغاز شد و موضوع کشف میکروب و باسیل و نقش آنها در ایجاد برخی از بیماری های عفونی و بویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض، کاملاً مسلم شد و علم طب، مرزهای تازه ای پیدا کرد، ولی کشف آنتی بیوتیک ها و اثر قاطع و معجزه آسای آنها در درمان فوری عفونت ها [قبلاً علاج آنها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می شد] مسیری دیگر بود و از آن پس، دانش میکروبیولوژی، بیوشیمی و شناخت آنزیم ها و هورمون ها توسعه ای غیر قابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکول های حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماری های سرشتی، قابل پیش بینی شد و مسأله آگاهی های جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماری ها چنان بعد حیرت آوری پیدا کرد، که تا دهه های پیش حتی تصور آن به ذهن نمی آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چاره های جدید در درمان بیماری هایی که قبلاً کشتار می کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاه های پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحی های حیرت آور، مرزهای تازه ای از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموخته هایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شد تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانه تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج، غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند، یا اطلاعات لازم درباره آنها را نداشتند، یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمی دانستند، با تجویز داروهای جدید سریع التأثير و درمان محسوس و سریع امراض، روش های سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به اطبای قدیم را کنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و

تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی  
 تأسیس کمیته ملی طب سنتی در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانه های جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آنها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بهره گرفت و راه درست استفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیر واقعی، که باور مردم عادی را هدف قرار داده است، چه باید کرد؟ و مهمتر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همه اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آورده اند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفتگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیمارانی که علاوه بر هستی و سلامت آنها، با برداشت بی رویه گیاهان دارویی از طبیعت موجب انهدام آنها می گردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفته گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبلیغ و سودجویی چه باید کرد و یا احیاناً چه نباید کرد؟

### کتابهای پیشنهادی

- ۱- ابن فیلسوف در زبان فارسی و عربی به افلاطون معروف است.
- ۲- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آن روز، نوعی تجارت مخفی برای رفع نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آنها «حشاشیون» می گفتند. این نام به علت ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می شدند بعدها در غرب به اسامین یا تروریست مشهور شد.
- ۳- *Cordia myxa* L. سپستان و *Cordia dicitima* Boiss دارای میوه به الباب دارویی هستند و در تهیه چسب نیز از آن استفاده می کنند.
- ۴- شاه بلوط *Casanea Sativa* Mill. دارای میوه خوراکی است.
- ۵- میوه و دانه های آزاد درخت یا چربش با نام علمی دارویی *Melia azadaracha* L. هستند و خاصیت حشره کش دارند.
- ۶- بالسام به ماده رزینی از گیاه *Abies balsama* (که در کانادا می روید) گویند.
- ۷- نام علمی تاتوره *Datura stramonium* و به احتمال زیاد *Datura innoxia* است.

پزشک در این دانشکده ها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استان ها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی اطبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایل ها [که کم و بیش باقی مانده بود]، در شهرها فراموش شد و تقریباً به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسان ها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به آن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و از این که مصرف داروهای گیاهی، یا گیاهان دارویی کم زیاتر از داروهای سنتتیک اند و با جای گرفتن نظر مزبور در اذهان عمومی و حتی در محافل علمی و پزشکی گوشه و کنار جهان، ناگهان مصرف گیاهان دارویی و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسأله روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفته ای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینیایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را